میراث ایرانی در آن سوی ارس

قربانعلی پورمرجان، معاون سازمان تقریب مذاهب: بخش مهمی از میراث مکتوب جمهوری آذربایجان به زبان فارسی نوشته شده است



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

درحالی‌که زبان فارسی طی قرن‌ها یکی از ارکان اصلی هویت فرهنگی قفقازو جمهوری آذربایجان بوده، امروز جایگاه آن بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های سیاسی، آموزشی و فرهنگی روبه‌روست. قربانعلی پورمرجان، رایزن فرهنگی پیشین ایران در جمهوری آذربایجان، در گفت‌وگو با جام‌جم به مرور پیشینه زبان فارسی در این منطقه پرداخت و از تداوم ریشه‌های عمیق آن در میان مردم، نسخه‌های خطی، متون ادبی و آثار اندیشمندان قفقاز سخن گفت. به گفته او، این میراث همچنان در حافظه فرهنگی این سرزمین زنده است، اما متاسفانه به‌تدریج دارد رو به فراموش‌شدن می‌رود. او با اشاره به این‌که بیش از ۸۰ درصد منابع انستیتوی نسخ خطی جمهوری آذربایجان به فارسی نوشته شده‌اند، معتقد است که بخش مهمی از مفاخر تاریخی و ادبی این کشور نیز آثار خود را به این زبان خلق کرده‌اند. پورمرجان درعین‌حال، کاهش آموزش زبان فارسی در مدارس، رقابت فزاینده زبان‌های دیگر، سیاست‌های هویتی، کمبود منابع آموزشی، نبود حمایت‌های کافی و کاهش انگیزه برای فراگیری این زبان را مهم‌ترین موانع گسترش فارسی برمی‌شمارد و معتقد است که احیای جایگاه آن در جمهوری آذربایجان، نیازمند برنامه‌ریزی منسجم، همکاری‌های علمی و تقویت دیپلماسی فرهنگی است. ماحصل گفت‌وگوی ما با پورمرجان را که اکنون در سمت معاون سازمان تقریب مذاهب فعالیت می‌کند از نظر می‌گذرانید.



درباره پیشینه زبان فارسی در جمهوری آذربایجان صحبت کنید. چه زمینه‌ها و استعدادهایی در این رابطه وجود دارد؟

بررسی زبان فارسی در آذربایجان و قفقاز جنوبی در گذر تاریخ، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ چراکه این زبان، جزئی جدایی‌ناپذیر از هویت و فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌آید. در برخی از نقاط این خطه زبان فارسی همچنان پابرجاست ولی در جاهایی نیز دچار افول شده و این امر به دلایل مختلفی بستگی دارد. قفقاز منطقه‌ای عجیب است؛ سرزمینی که در ۲۰۰ سال گذشته، هویت زبانی دیرینه‌اش را حفظ کرده، اما عوامل متعددی برای دور کردن آن از این هویت کوشیده‌اند. این روند از دوران روسیه تزاری و شوروی سابق شروع شده و همچنان ادامه دارد. شاید اقوامی باشند که در پهنه سیاسی ایران زندگی نکنند، ولی هویت ایرانی دارند و خود را جزئی از این مرز پرگوهر می‌دانند. حضور در میان این اقوام نشان می‌دهد که دل آنها هنوز با زبان فارسی و فرهنگ ایران زمین است. فارسی زبان اصلی و مسلط فرهنگی فلات ایران بوده است. در گستره ایران فرهنگی، زبان و فرهنگ ایرانی، پیش از ظهور دولت‌هایی که می‌خواستند از راه فرهنگ بر سیاست مسلط شوند، نقشی اساسی داشت. بریتانیادر هند زبان انگلیسی را جایگزین فارسی کرد. حکومت بعث بسیاری از آثار و فرهنگ ایرانی را در عراق از بین برد. مردمان فارسی‌زبان در شهرهای بخارا و سمرقند، اکنون تحت فشارهای فرهنگی هستند تا زبان فارسی و هویت تاجیکی-ایرانی خود را انکار کنند. روسیه و بعدها شوروی در قفقاز سعی کرد به روش‌های مختلف روح و فرهنگ ایرانی را بزداید و آن را با زبان روسی جایگزین کند. از سوی دیگر با مهاجرت دادن تاتارها به این ناحیه تاثیر مهمی بر ترکیب جمعیتی آن گذاشتند؛ اما با همه این هاروح ایرانی، همچنان در قفقاز زنده است. اکنون بیش از ۸۰ درصد منابع موجود در انستیتوی نسخ خطی این کشور به زبان فارسی نوشته شده و هرآنچه به عنوان مفاخر تاریخی و ادبی از آن یاد می‌شود، تمامی یا بخش عمده آن به زبان فارسی تألیف شده است. گاهی دیدن برخی کتب قدیمی در منطقه قفقاز که به زبان فارسی است به شدت ناراحت‌کننده به نظر می‌رسد. کتابی که مرحوم عادل مولایی در سال ۱۳۹۲ جمع و مجموعه‌ای از علمای دینی را در آن معرفی کرد، نشان می‌دهد که قفقاز، سرزمین علم و دانش و دلاورپرور بوده است؛ اندیشمندان دینی بزرگی در این خطه پرورش یافته‌اند که به زبان فارسی سخن می‌گفتند و کتاب‌های خود را به این زبان می‌نوشتند. اکثر این علما فرهیختگانی بودند که در دامان حوزه علمیه نجف‌اشرف و سایر حوزه‌های علمیه پرورش یافتند و پس از بازگشت به سرزمین‌های خود به زبان فارسی به هدایت مردم‌شان پرداختند.

رد هویت ایرانی را چطور می‌توان در متون فارسی جست‌وجو کرد؟

مگر نه این است که هویت اصیل یک جامعه را باید در پیشینه آن جست‌وجو کرد و شکوه و ژرفای باورهای یک قوم را در گذشته آنها به نظاره نشست؟ مگر نه این است که سرنوشت یک ملت را همان راهی رقم می‌زند که نیاکان‌شان رفته‌اند؟ استعدادها و نبوغ فکری این ملت در گذشته درخشان آنها بوده است که شخصیت‌هایی نظیر آیت‌الله بادکوبه‌ای، آیت‌الله‌العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی و صدها عالم و اندیشمند دینی فرهنگی آن را رقم زده است و همه آنها به زبان فارسی می‌گفتند و می‌نوشتند، ولی افسوس که نوشته‌های این اندیشمندان قفقازی در موطن پدری آنها امروزه غریب مانده‌اند و نسل‌های جدید در این منطقه امکان خواندن و استفاده از آنها را ندارند. در دوران نه‌چندان دور، زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان علمی و ادبی در میان فرهیختگان و ادیبان آن خطه رایج بود؛ حقیقتی انکارناشدنی که نشان از جایگاه والای فارسی در حوزه قفقاز و به‌ویژه جمهوری آذربایجان کنونی دارد. زبان و ادبیات فارسی در بین اندیشمندان و اهل فرهنگ و ادب این کشور همچنان موقعیت و منزلت دارد و به‌عنوان عنصری تفکیک‌ناشدنی از فضای فرهنگی و ادبی آن کشور به‌شمار می‌آید. از دیگر شواهد این امر استفاده از عبارت‌ها و کلمات بی‌شمار فارسی در زبان آذری و به‌کارگیری اسامی فراوان فارسی در بین جامعه و مردم است که نشان‌دهنده عمق و نفوذ زبان فارسی در جمهوری آذربایجان بوده و حتی می‌توان آن را به‌عنوان زبان دوم آن سامان نام برد.

وضعیت زبان فارسی در مدارس جمهوری آذربایجان چگونه است؟

در سال‌های گذشته، زبان فارسی در برخی مدارس آذربایجان، گرجستان و ارمنستان تدریس می‌شد، اما امروزه در جمهوری آذربایجان، این زبان در تعداد اندکی از مدارس ارائه می‌شود و عملا به صفر رسیده است. این وضعیت دلایلی دارد که به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می‌شود.

عوامل بیرونی

۱. فعالیت گسترده کشورهای غربی و عربی برای جایگزینی و ایجاد سطوح آموزشی زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و حتی عربی و چینی.

۲. نبود جذابیت لازم برای فراگیری زبان فارسی و از طرفی ایجاد مشوق‌ها و جاذبه‌های فراوان برای فراگیری زبان‌های دیگر.

۳. فقدان جایگزینی معلمان زبان و ادبیات فارسی به‌جای معلمان بازنشسته.

۴. نبود منابع به‌روز برای تدریس زبان فارسی و مشکلات متعدد در ارسال کتب از ایران

۵. سیاست‌های پان‌ترکیستی و کشاندن جوانان آذری به سمت ترکیه و القای این باور که ریشه آذربایجان و ترکیه یکی است. بالاخص در یک دهه گذشته این سیاست تقویت شد و در چند سال اخیر به اوج خود رسیده است. سیاست‌های تشکیل اتحادیه کشورهای ترک‌زبان و نزدیک‌سازی این کشورها به یکدیگر، نیازمند تقویت چسبندگی آنها به زبان ترکی و دورکردن مردم از ریشه‌های تاریخی و مذهبی‌شان است. این روند در حال وقوع است و صدها فیلم تبلیغی و هنری نیز برای ترویج این ایده تولید شده است.

عوامل درونی

۱. نبود اطلاعات دقیق از وضعیت حال حاضر زبان فارسی در مدارس

۲. فقدان منابع یکسان و به‌روز نبودن منابع موجود

۳. نبود برنامه‌ای مدون و منظم جهت دانش‌افزایی معلمان

۵. نبود وجود مشوق‌های لازم برای ایجاد انگیزه در بین معلمان و دانش‌آموزان برای انتخاب و تدریس زبان فارسی

این مشکل زمانی دردناک‌تر می‌شود که بدانیم هنوز ده‌ها هزار نفر از مردم و اقوام تات وجود دارند که خود را از ریشه فارسی و ایرانی جدا نکرده‌اند ولی زمانه با آنها خوب تا نمی‌کند و قربانی سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشورها شده‌اند و کم‌کم هویت خود را از دست می‌دهند و مصداق «از اینجا رانده و از آنجا مانده» شده‌اند.

وضعیت زبان فارسی در آموزش عالی و دانشگاه‌های جمهوری آذربایجان چگونه است؟

یکی از مراکز مهم آموزش زبان و ادبیات فارسی در جمهوری آذربایجان کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دولتی باکوست که در حال حاضر دانشجویان در سه مقطع تحصیلی آموزش می‌بینند. در گذشته نه چندان دور اساتید بزرگی همچون مبارز علیزاده در آن مشغول فعالیت بوده و تأثیرات بسیاری نیز داشته‌اند و در حال حاضر نیز اساتید جوان و باانگیزه‌ای در این کرسی مشغول فعالیت هستند و می‌توان به آینده آن امیدوار بود.

بعد از تأسیس انستیتو شرق‌شناسی آکادمی ملی جمهوری آذربایجان، این مرکز در کنار رشته پرطرفدار شرق‌شناسی، شعبه ایران‌شناسی را تأسیس کرده و تاکنون نیز فعالیت‌های ارزشمندی را به ثمر رسانده است. از اساتید برجسته این مرکز در گذشته می‌توان به پروفسور علیزاده، طاهر محرم‌اف، ابوالفضل رحیم‌اف، علی عباس‌اف، علی بالا حاجی‌زاده و... اشاره کرد که آثار ادبی معروفی همچون خمسه نظامی، شاهنامه فردوسی و... را ترجمه کرده‌اند ولی در حال حاضر متأسفانه پویایی لازم در این بخش مشاهده نمی‌شود.

چگونه توانستید استعدادهای زبان فارسی را کشف کنید و با بهره‌مندی از آنها، گام‌های مؤثرتری در جهت گسترش زبان فارسی بردارید؟

یکی از فعالیت‌های رایزنی فرهنگی از ابتدای تأسیس در باکو تدریس زبان فارسی بوده است که هم در ساختمان رایزنی فرهنگی و هم در خانه فرهنگ شهریار این فعالیت انجام می‌شده که با استقبال خوبی مواجه بوده است. قبل از خانم دکتر آیگون، آقای دکتر توفیق جهانگیرف استاد زبان فارسی در دانشگاه دولتی باکو مدرس کلاس‌های زبان فارسی در رایزنی فرهنگی بود که به مدت ۱۰ سال در نمایندگی فرهنگی این زبان را تدریس کرده و الان بازنشسته شده است. با تلاش رایزنی فرهنگی، گروه فراگیران و علاقه‌مندان به زبان فارسی در واتساپ تشکیل شده و علاقه‌مندان به فارسی تجربیات خود را منتقل می‌کنند و با هدایت معلم خود نکات ادبی را فرامی‌گیرند و اشتباهات خود را تصحیح می‌کنند. رایزنی فرهنگی در طول سال‌های گذشته نیز تلاش‌های فراوانی برای گسترش زبان فارسی در آذربایجان انجام داده و با برگزاری دوره‌های آموزش زبان فارسی در محل رایزنی فرهنگی، برگزاری دوره‌های هم‌افزایی، اعزام اساتید به ایران، برگزاری المپیادهای زبان فارسی و... همت گمارده تا این زبان کهن ایران زمین را در این خطه تقویت کند ولی این امر کافی نبوده است.

شرایط و وضعیت ترجمه‌های آذری از زبان فارسی چگونه است؟

زبان و ادبیات فارسی تأثیر بسزایی بر ادبیات و زبان ترکی داشته و رابطه خیلی نزدیک میان ایران و آذربایجان در زمینه ترجمه آثار فارسی بوده است. آثار سعدی، فردوسی کلیله و دمنه از اولین کتاب‌هایی است که از زبان فارسی به ترکی ترجمه شده‌اند. کتاب‌های زیادی از شاعران و نویسندگان فارسی‌گوی آذربایجان در انستیتوی نسخ خطی آکادمی ملی علوم جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شود. از قرن شانزدهم میلادی روند ترجمه از فارسی آغاز شده که از میان این ترجمه‌ها می‌توان به ترجمه گلستان شیخ سرایی قرن شانزدهم، خسرو و شیرین قطب و شاهنامه شریفی اشاره کرد. در قرون بعد آثاری همچون سندبادنامه، کلیله و دمنه، تاریخ گزیده قزوینی هستند که به زبان ترکی ترجمه شده‌اند. ملک سعید افتخارالدین قزوینی سندبادنامه را به ترکی ترجمه کرده بود. محمد فضولی شاعر نامی آذربایجان نیز چهل حدیث (حدیث اربعین) جامی را به ترکی ترجمه کرده بود. اوایل قرن بیستم میلادی (در دوران شوروی سابق) کتاب‌های زیادی به آذری ترجمه شده‌اند. یکی از دلایل آن دقت دانشمندان شوروی به شرق‌شناسی و مسائل شرق و اسلام بود. آنها برای مدیریت کشورهای اسلامی نیاز به شناخت بهتری از آنها داشتند. اوایل قرن بیستم میلادی افندی‌اف بخشی از شاهنامه و میرعبدالوهاب سیدزرگر بادکوبه نیز بخشی از بوستان سعدی را با عنوان بحرالحقایق ترجمه کرده است. علی نظمی، ابراهیم طاهر، عبدالله شایق (شاعر نامی آذربایجان) و میرمحسن ابراهیمی قسمت‌های از شاهنامه را به آذری ترجمه کرده بودند. میرزا علی‌اکبر صابر شاعر معروف آذربایجان نیز یک قسمت از شاهنامه و قسمت‌هایی از آثار سعدی را ترجمه کرده بود.

برش

مشکلات آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان

۱. عدم حمایت دولت آذربایجان از آموزش زبان فارسی
۲. عدم اطمینان فراگیران زبان فارسی از اشتغال در آینده
۳. کاهش تعداد گردشگران و شرکت‌های ایرانی در باکو و شهرهای مختلف آذربایجان
۴. رقابت منفی بین اساتید
۵. عدم برنامه‌ریزی منسجم برای اعزام فارسی‌آموزان به ایران و برنامه‌ریزی برای آنها در ایران
۶. پایین رفتن سطح کتابخوانی در بین جوانان و کم شدن تیراژ کتاب‌ها در بازار
۷. تنوع بخشیدن به رشته‌های داخل شرق‌شناسی و سوق پیدا کردن دانشجویان به سمت کشورهای هند، چین و....
۸. عدم تخصیص بودجه مناسب برای بنیاد سعدی جهت حمایت از کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌ها و نبود امکان برای تأمین نیاز کرسی‌ها
۹. عدم ورود اساتید قدیمی زبان فارسی در آذربایجان به ادبیات معاصر و نبود انگیزه و اشتیاق در بین جوانان برای فراگیری این زبان
۱۰. عدم وجود تشکل‌های تخصصی مثل انجمن زبان فارسی در باکو یا شهرهای دیگر
۱۱. عدم تمایل اساتید و شرق شناسان باگرایش زبان فارسی برای کار در پروژه‌های مشترک مثل تحقیقات مشترک و....
۱۲. عدم وجود منابع درسی و مطالعاتی جذاب از ایران یا تولیدات داخلی با موضوعات زبان فارسی
۱۳. تأثیرپذیری جوانان و فراگیران زبان فارسی از روابط سیاسی بین کشورها و نقش منفی تلاطمات سیاسی منطقه‌ای روی آنها



یادداشت

سیدعلی بطحائی | عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

تشیعی از قم تا نجف
حلقه گمشده تمدن انتظار

ایران و عراق نه دو کشور همسایه که دو ریه یک اندام تاریخی‌اند. اگر نقشه جغرافیایی در بستر تاریخ را کنار بگذاریم و به «اعماق تاریخ» نفوذ کنیم، درمی‌یابیم این دو سرزمین، از دیرباز با رشته‌هایی از آتش و آب به هم دوخته شده‌اند: آتش جنگ‌های کهن و آب فرات بین‌النهرین که عطش حقیقت‌جویی را سیراب کرده است اما آنچه این پیوند را از یک همسایگی صرف، به یک همبستگی ارتقا داده، نه پیمان‌های سیاسی، نه حتی زبان و نژاد بلکه «مناسک تشییع حماسی» است؛ تشییعی که نه فقط سوگ یک رهبر و مرجع دینی، که اعلام حضور یک امت زنده در برابر استکبار جاودانه است. این آیین حلقه‌ای است که تمدن ایران‌زمین را به تمدن بین‌النهرین گره می‌زند و آن را به افقی فراتر از جغرافیا یعنی ظهور متصل می‌کند. در این یادداشت، با نگاهی به فلسفه تاریخی تداوم سه رکن این پیوند تاریخی را در جغرافیای تمدن واکاوی می‌کنیم.

یکم: حافظه جمعی «ارض نبرد» از کربلا تا قادسیه نوین

تاریخ صرفا خطی نیست؛ صفحه‌ای است چندبعدی. ایران و عراق هر دو روی گسل «نبرد حق علیه باطل» قرار گرفته‌اند. از نبرد قادسیه که در حافظه اعراب به‌عنوان فتح و در حافظه عجم‌ها به‌عنوان شکست موقت ثبت شد اما هر دو روایت، در یک نقطه همگرا می‌شوند: کربلا. واقعه‌ای که مرزهای قومی را در هم شکست. در کربلا نه عرب بر عجم برتری داشت و نه عجم بر عرب؛ معیار، «تکلیف» بود. این نقطه، «حافظه بنیادین» دو ملت شد. امروز تشییع حماسی رهبر و شهدای مقاومت (از سلیمانی تا المهندس و نهایتا قائد امت) در خیابان‌های نجف و کربلا و تهران، بازتولید همان «حافظه نبرد» است. خلاقیت تاریخی در این است که هر بار این تشییع «قادسیه‌ای معکوس» می‌سازد. نه فتح سرزمین، که فتح دل‌ها. نه تحمیل فرهنگ، که پیوند دو روح. فلسفه تاریخی می‌گوید: «تداوم یک حادثه، از تکرار عین آن مهم‌تر است» و این تشییع‌ها، تکرار عین کربلا نیستند بلکه تجلی آن در قامت مقاومت مدرنند.

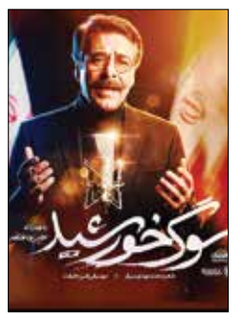
دوم: مرجعیت؛ عصای موسی در دو کرانه فرات

اگر ایران ولایت فقیه را به‌عنوان نظریه‌ای سیاسی بپروراند، عراق مرجعیت نجف را به‌عنوان قلبی تپنده حفظ کرد اما این دو رقیب نیستند؛ دو بال یک پرنده‌اند. پیوند تاریخی ایران و عراق، در نقطه «تلاقی فتوا» و «سیاست» معنا می‌گیرد. از فتوای جهاد کفایی مرجعیت نجف در سال ۲۰۱۴ که ایران را به پشتیبانی نظامی از عراق کشاند تا همراستایی حوزه‌های قم و نجف در مسائل کلی جهان اسلام، شاهد هماهنگی تنگاتنگی هستیم اما عمق این پیوند در فلسفه انتظار نهفته است. مرجعیت، در هر دو سوی مرز، نه فقط نهاد فتوا که نهاد بشارت است؛ بشارت به ظهور منجی‌ای که حکومت عدل گسترش، نه عربی است و نه عجمی بلکه جهانی است. تشییع حماسی فراملی، نمایش این باور است که شهادت یک رهبر مقاومت، در مسیر تمهید ظهور معنا می‌یابد. این تشییع، کارزار احیاگری است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

موسیقی

انتشار تازه‌ترین نماهنگ علیرضا افتخاری



نماهنگ «سوگ خورشید» به‌عنوان تازه‌ترین محصول مشترک مرکز هنری رسانه‌ای نهضت و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران پیش روی مخاطبان قرار گرفت. به‌گزارش مهر، سوگ خورشید عنوان یکی از تازه‌ترین محصولات مشترک مرکز هنری-رسانه‌ای «نهضت» و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است که در قالب یک نماهنگ با موضوع «رثای رهبر شهید انقلاب» پیش روی مخاطبان قرار گرفت. «زیارت‌نامه» با صدای ابوذر روحی، «آرزوی کربلا» با صدای میثم مطیعی، «تفنگ پدری» با صدای پرواز همای، «خداحافظ» با صدای رضا نریمانی، «خدانگهدار رهبر من» با صدای ابوذر روحی، «خداحافظ حضرت آقا» با صدای محمدحسین پویانفر، «رفیق» با صدای حسین حقیقی، «وداع» با صدای مصطفی راغب، «انا الیه راجعون» با صدای میثم مطیعی، «باید برخاست» با صدای اشرف التمیمی، «نامه‌ای به آقا» با صدای مهدی رسولی، «والصبح» با صدای محمد معتمدی، «امام امت» با صدای مهدی رسولی در کنار آثاری دیگر از جمله محصولاتی هستند که توسط مرکز هنری-رسانه‌ای نهضت منتشر شده‌است.

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص آب و فاضلاب منطقه ۵ شهر تهران به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۴۴۸۵۷ و به شماره ثبت ۴۰۲۵۳۷ به استناد صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۸۱۱۹ و به نمایندگی سیدعلی لدنی‌نژاد به شماره ملی ۴۲۶۸۹۶۱۹۳۳ به سمت نایب رئیس هیات‌مدیره و عضو اصلی هیات‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۱/۳۱ شرکت آب و فاضلاب استان تهران به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۹۳۶۱ و به نمایندگی حبیب‌اله حدادی به شماره ملی ۵۹۳۹۸۷۴۳۶۳ به سمت سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۱/۳۱و به سمت رئیس هیات مدیره و عضو اصلی هیات‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۱/۳۱ شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۷۱۲۲۱ و به نمایندگی محمد محمدی به شماره ملی ۱۶۰۰۱۳۵۴۴۷ به سمت عضو اصلی هیات‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۱/۳۱ انتخاب گردیدند. کلیه چک‌ها و قراردادها و اسناد تعهدآور به استناد ماده ۲۴ اساسنامه شرکت، به امضاء ثابت مدیرعامل (یا نماینده وی) و امضاء متغیر یکی از اعضاء هیات مدیره یا نماینده منتخب هیات‌مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد. اختیارات هیات‌مدیره به شرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید. هیأت‌مدیره حدود اختیارات مدیرعامل را برابر با مفاد ماده ۲۲ اساسنامه شرکت آب و فاضلاب منطقه ۵ شهر تهران تعیین و تصویب نمود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۲۳۱۶۲۶)

نوبت دوم

شرکت آب و فاضلاب استان تهران

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

شرکت آب و فاضلاب استان تهران در نظر دارد فراخوان انجام خدمات کارکنان پیمانکاری (به صورت حجمی) جهت پاسخگویی تلفن، امور دفتری و کارشناسی در مرکز مدیریت ارتباط با مشتریان و GIS در ستاد آبفای استان تهران با به کارگیری ۵۰ (پنجاه) نفر در هر روز برای ۲ سال شمسی به شماره ۲۰۰۵۰۰۵۰۷۰۰۰۰۰۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.Setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت بر خط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

صلاحیت‌های مورد نیاز:
● گواهی تایید صلاحیت و رتبه‌بندی شرکت‌های خدماتی، پشتیبانی و فنی مهندسی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی

مواعد زمانی:
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه: ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
مهلت زمانی دریافت اسناد فراخوان: حداکثر تا ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۴
مهلت زمانی ارسال پیشنهادات: حداکثر تا ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
زمان بازگشایی پاکت‌های ارزیابی کیفی: ساعت ۱۰:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
زمان بازگشایی پاکات مناقصه: در محل دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب استان تهران (به نشانی تهران، خیابان فاطمی، خیابان حجاب، شرکت آب و فاضلاب استان تهران ضلع شرقی محوطه) جهت اطلاع و حضور مناقصه‌گران متعاقبا اعلام خواهد شد.
محل اعتبار: اعتبارات جاری
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۳۷،۶۷۵،۱۷۰،۴۰۷ (سی و هفت میلیارد و ششصد و هفتاد و پنج میلیون و یکصد و هفتاد هزار و چهارصد و هفت) ریال به یکی از انواع ضمانتنامه بانکی / ضمانتنامه صادره توسط مؤسسات تضمین، رسید پرداخت به حساب جاری شماره ۱۳۹۴۲۴۲۵۹۱۶۴ نزد بانک سینا شعبه دکتر فاطمی و مطالبات قطعی تایید و بلوکه شده مناقصه‌گر نزد شرکت آب و فاضلاب استان تهران به شرح مندرج در اوراق شرایط مناقصه
● به پیشنهادهای فاقد تضمین، تضمین‌های مخدوش، تضمین‌های کمتر از میزان مقرر و نظایر آن و همچنین به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:
آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خیابان حجاب، شرکت آب و فاضلاب استان تهران، تلفن: ۸۸۹۹۲۸۷۹
اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱
● سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
شماره تلفن پذیرش